

گستره شیعه از لاهور تا پنجاب



در پاکستان، ادیان و مذاهب متعددی وجود دارد، اما اکثریت قاطع مردم آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. طبق سرشماری سال 1981 م / 1360 هـ، 96.68 درصد مسلمان، 1.55 درصد مسیحی و 1.51 درصد هندو و بقیه بودایی، سیک، زرتشتی و از دیگر ادیان هستند. (1)

در پاکستان، ادیان و مذاهب متعددی وجود دارد، اما اکثریت قاطع مردم آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. طبق سرشماری سال 1981 م / 1360 هـ، 96.68 درصد مسلمان، 1.55 درصد مسیحی و 1.51 درصد هندو و بقیه بودایی، سیک، زرتشتی و از دیگر ادیان هستند. (1)

در میان مسلمانان آن، اهل سنت که عمدتاً حنفی مذهب هستند، اکثریت دارند. مسلمانان اهل سنت به سه گرایش مختلف تقسیم شده‌اند: «دیوبندی» منسوب به پیروان مدرسه دیوبند هستند که سال 1283 ق در قصبه‌ای به همین نام در ایالت اُتار پردیش هند به وسیله مولانا محمد قاسم نانوتوی تأسیس شد. (2) «بریلوی» منسوب به پیروان احمد رضاخان بریلوی‌اند که مدرسه‌ای در شهر بریلی هند بنا کرد و در مقام مخالفت با مکتب دیوبندی برآمد. بریلوی‌ها معمولاً صوفی مسلک و معتقد به تقدس اولیا و رهبران مذهبی هستند و زیارت قبور اولیا و شفاعت و یاری طلبیدن از ارواح آنان را در حل مشکلات و برآوردن حاجات خود مؤثر می‌دانند. (3) گرایش سوم، گرایش اهل حدیث است که گروهی بشدت سنتی و محافظه‌کار، شبیه گروه اخباری در میان شیعیان، هستند. اهل حدیث پاکستان روابط نزدیکی با وهابیان عربستان دارند و تندرهای مذهبی عربستان کمک‌های زیادی در تأسیس مدارس و تأمین هزینه‌های آموزشی این گروه کرده‌اند. پس از اهل سنت، دومین گروه مذهبی عمده را شیعیان تشکیل می‌دهند. شیعیان پاکستان به دو گروه دوازده امامی و اسماعیلیه تقسیم می‌شوند. اکثریت قاطع شیعیان جزو گروه اول هستند، اما تعدادی از فرقه اسماعیلیه نیز در کراچی، گلگت، ملتان و سند زندگی می‌کنند.

پیشینه تشیع در پاکستان

بر اساس برخی شواهد تاریخی، تشیع در نیمه اول قرن یکم هجری به سرزمین شبه‌قاره هند راه پیدا کرده است. در دوران حکومت حضرت علی علیه السلام نیروهای عرب از مرزهای سند عبور کردند. بخشی از مردم «جات» ارادتی عمیق به حضرت پیدا کردند، به طوری که به غلو و الوهیت کشیده شدند. (4) «شنسب جد غوریان که فاتح شمال هند بود به دست حضرت علی بن ابی‌طالب اسلام آورد و با امام پیمان وفاداری بست و از ایشان مقررات و دستورالعمل‌هایی را گرفت. در مراسم تاج‌گذاری حاکم جدید، میثاقی که از سوی حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) نوشته شده بود، به زمامدار جدید تحویل داده و او نیز متعهد شد به شرایط و مفاد آن عمل کند. آنان مریدان حضرت علی بودند و عشق آن حضرت و اهل بیت پیامبر عمیقاً در عقایدشان ریشه دوانده بود.» (5) محمد قاسم فرشته، مورخ معروف هندی نیز در کتاب خود می‌نویسد که شنسب و قبيله او همیشه بر دوستی و طرفداری خاندان اهل بیت باقی ماندند. (6) سلسله «شنسبانی» در جریان قیام ابومسلم که منجر به سقوط اموی‌ها شد، از قیام ابومسلم حمایت کرد.

مردم سند پس از تشرف به اسلام، روابط خود را با اهل بیت پیامبر (ص) حفظ کردند. به گفته ابن قتیبه، یکی از همسران امام سجّاد (ع) به نام حمیدان از اهالی سند بود و زید شهید نیز از فرزندان همسر سندی امام سجّاد (ع) بوده است. در عصر امام صادق (ع) نیز افراد زبده‌ای از ناحیه سند نزد امام صادق (ع) مشغول فراگیری علوم اسلامی بودند که از آن میان می‌توان به ابان سندی، خلاد سندی و فرج سندی اشاره کرد.

در زمان منصور، خلیفه دوم عباسی، عمرو بن حفص به فرمانداری سند منصوب شد. او یکی از طرفداران جدّی حضرت علی (ع) بود و از قیام محمد «نفس زکیه» حمایت کرد و برای عبدالله اشتر، فرزند محمد که در بصره مشغول جمع‌آوری سلاح و تجهیزات بود، پول‌هایی فرستاد تا اسب و شمشیر تهیه کند. پس از جریان شهادت محمد نفس زکیه، عبدالله اشتر، فرزند وی، به عمرو بن حفص در سند پناهنده شد و عمرو او را نزد یکی از راجه‌های هندی فرستاد تا از ایشان نگهداری کند. عبدالله ده سال در سرزمین راجه هندی به تبلیغ آیین تشیع پرداخت. (7)

در قرن سوم و چهارم هجری، تشیع اسماعیلی در هند گسترش یافت. سال 270 ق / 883 م هبثم از طرف ابن جوثب منصور الیمان، داعی اسماعیلی مذهب یمنی، برای تبلیغ به سند فرستاده شد و او این مذهب را در ناحیه سند گسترش داد. سال 373 ق العزیز، خلیفه فاطمیان، سپاهی به فرماندهی ابن شیبیان به سمت ملتان اعزام کرد. او ملتان را تسخیر کرد و به نام خلیفه فاطمی خطبه خواند، اما سال‌های 399 و 400 در پی لشکرکشی سلطان محمود غزنوی به هند، حکومت طرفدار خلیفه فاطمی سرنگون شد و تعدادی از طرفداران این فرقه به قتل رسیدند. هجوم غزنوی‌ها درکل نتوانست به حکومت و اقتدار اسماعیلیه در سند پایان بخشد.

اسماعیلی‌ها پس از اندک زمانی دوباره به سازماندهی خود پرداخته، سلسله حکومت مستقل «سومره» را در سند به وجود آوردند که تا چهار قرن استمرار یافت. (8)

شیعیان بتدریج در سده‌های بعد، قدرت بیشتری کسب کردند. آنها در نواحی گوناگون هند، بویژه شمال آن، حکومت‌های مستقلی تأسیس کردند. سلسله حکومت‌های شیعی «اوده»، «بیجاپور» و «عادل شاهان» در هند معروفند. پس از سلطه استعمار انگلیس بر شبه‌قاره هند در قرن هجدهم، قدرت مسلمانان، بویژه شیعیان رو به زوال نهاد. در واقع، دوران سلطه دو قرن استعمار بر هند، دوران انتقال قدرت از مسلمانان به هندوها بود که تا امروز نیز این وضع در سرزمین هند ادامه دارد. در پاکستان که سال 1947 استقلال خود را از هند و انگلیس به دست آورد، قدرت دوباره در دست مسلمانان قرار گرفت، اما شیعیان به دلیل در اقلیت بودن نتوانسته‌اند نقش سرنوشت‌سازی در صحنه سیاسی پاکستان ایفا کنند.

جمعیت شیعه

شیعه در پاکستان دومین گروه مذهبی به لحاظ جمعیت است، اما آمار دقیقی از میزان جمعیت آن در دست نیست. محققان و کارشناسان مسائل پاکستان ارقام متفاوتی از 10 تا 25 درصد ارائه کرده‌اند. در دائرةالمعارف مسیحی جهان در سال 1980، جمعیت شیعیان 14.5 درصد ذکر شده است. (9) دانشنامه جهان اسلام میزان جمعیت شیعیان این کشور را بین 15 تا 20 درصد تخمین زده است. (10) نویسنده دائرةالمعارف تشیع در سال 1373 جمعیت شیعه را 20.6 درصد ذکر کرده که در مجموع 16 میلیون و 885 هزار نفر از کل جمعیت 83 میلیونی آن کشور را در دو دهه قبل شامل می‌شود. (11) فرانسوا توال جمعیت شیعی پاکستان را 30 میلیون نفر تخمین می‌زند. (12)

در پاکستان، ارائه آمار دقیق از پیروان مذاهب اسلامی بسیار مشکل است؛ زیرا برخی پیروان مذاهب اسلامی به دلایل مذهبی یا سیاسی، هویت مذهبی خود را پنهان نگه می‌دارند، چنان که عده‌ای از شیعیان روستایی ایالت سرحد که در مناطق سنی نشین هم مرز با افغانستان واقع شده‌اند همچنین برخی روستانشینان شیعه مذهب بلوچستان و سند همیشه در تقیه زندگی می‌کنند و شیعه بودن خود را مخفی نگه می‌دارند.

توزیع جمعیت

بر خلاف بسیاری از کشورهای اسلامی که شیعیان در آنها از نوعی تمرکز جغرافیایی برخوردارند، در پاکستان چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. شیعیان این کشور در تمام شهرها و شهرستان‌ها پراکنده‌اند و این پراکندگی در سطح روستاها نیز به چشم می‌خورد. مهم‌ترین شهرهایی که شیعیان در آنها سکونت دارند، عبارتند از: کراچی، لاهور، ملتان، راولپندی، اسلام آباد، جنگ، سیالکوت، حیدرآباد، پیشاور، پاراچنار، کوهات، اسکردو و کوئته.

پنجاب پرجمعیت‌ترین ایالت این کشور، بیشترین جمعیت شیعه را در خود جای داده است. در لاهور، مرکز پنجاب، قریب نیم میلیون شیعه در سال‌های آخر دهه 60 شمسی زندگی می‌کردند (13) که امروز با توجه به رشد زاد و ولد در آن کشور و همچنین مهاجرت روستاییان به آنجا، ممکن است این تعداد به دو برابر افزایش یافته باشد. شیعیان لاهور عمدتاً در محله «موچی دروازه» و «بازار حکیمان» ساکن هستند و عده‌ای نیز به‌طور متفرقه در دیگر نقاط شهر سکونت گزیده‌اند.

لاهور یک شهر مهم تاریخی و فرهنگی است که نزد شیعیان نیز از همین موقعیت برخوردار است. در این شهر، گروه‌ها و انجمن‌های مذهبی و فرهنگی زیادی مستقرند که برخی در محدوده لاهور و پنجاب مشغول فعالیت هستند و برخی دیگر در سراسر پاکستان فعالیت می‌کنند. مهم‌ترین انجمن‌ها و گروه‌های شیعی مستقر در آنجا عبارتند از: «اداره تحفظ حقوق شیعه»، «کنفرانس سراسری شیعیان پاکستان» و «وفاق علمای شیعه پاکستان» که این سه گروه در سطح کل شیعیان پاکستان فعالیت دارند، «انجمن رضاکاران حسینی»، «حمایت اهل البیت»، انجمن اقامه نماز به نام «معین‌الصلاه»، انجمن حمایت از امور اموات به نام «معین الاموات» و مؤسسات فرهنگی دیگر مانند «امامیه مشن» و «معارف اسلام». (14)

یکی دیگر از شهرهای مهم پنجاب، «ملتان» است که در جنوب غرب لاهور واقع شده است. ملتان شهری بسیار قدیمی و مرکز برخورد تمدن‌های بودا، هندوئیسم و اسلام شناخته شده است. اسلام در قرن اول هجری، به وسیله محمد بن قاسم در این سرزمین راه یافت و به مرور زمان، تشیع نیز در آنجا نفوذ کرد. امروز بیش از 30 درصد جمعیت این شهر را شیعیان تشکیل می‌دهند. (15) آنها در نواحی جلال پور پیراله، سالار وطن‌سادات، جک حیدرآباد، قتال‌پور، خانیوال، دهاری، میلی، لودهران و تنکسی زندگی می‌کنند. گفته می‌شود که قدیمی‌ترین حسینیة جهان نیز در همین شهر تأسیس شده که تاریخ آن به عصر همایون از سلاطین مغول برمی‌گردد.

در کراچی مرکز ایالت سند نیز جمعیت زیادی از شیعیان زندگی می‌کنند. پس از تقسیم شبه‌قاره هند، تعداد زیادی از شیعیان هند به این شهر مهاجرت کردند که امروز به نام «خوجه‌ها» از آنها یاد می‌شوند. خوجه‌ها قوم ثروتمند و تحصیل‌کرده‌ای هستند که در ادارات دولتی نیز نفوذ فراوانی دارند. قدیمی‌ترین محله شیعه‌نشین کراچی محله «کرادر» است، اما پس از مهاجرت شیعیان هندی به این شهر، محله‌های ناظم آباد، لیاقت آباد، حیدرآباد، بخش، محمودآباد، بهادرآباد، محله محمدعلی، محله سادات، سعودآباد، شارع دریغ، ملیر، حسین‌آباد، محمدآباد، ولانی و بنکلور نیز بر آن افزوده شدند. (16) امروز تعدادی از شیعیان فارسی زبان قوم هزاره نیز در محله «حسین گوت» این شهر زندگی می‌کنند که اکثر آنها از کوئته به آنجا مهاجرت کرده‌اند.

شهر مهم دیگری که تعداد قابل توجهی جمعیت شیعه را در خود جای داده، شهر «کوئته»، مرکز ایالت بلوچستان است. شیعیان این شهر عمدتاً در جنوب شهر (علمدار رود و مری آباد) و شمال غرب آن (بروری و کرانی) تمرکز یافته‌اند. آنها از لحاظ قومی، به قومیت‌های هزاره، قندهاری، پنجابی، گلگتی، بلتی و تبتی تقسیم می‌شوند، اما اکثریت عمده آنها را مردم هزاره تشکیل می‌دهند. هزاره‌ها به زبان فارسی تکلم می‌کنند و از نظر فرهنگی و آداب و رسوم اجتماعی، تفاوت‌های محسوسی با دیگر اقوام دارند. آنان نسبت به باورهای مذهبی، سنت‌های اجتماعی خود و حجاب زنان حساسیت فوق‌العاده‌ای نشان می‌دهند. مراسم دینی، بویژه ایام محرم و صفر، با جوش و حرارت زاید الوصفی از سوی آنان برگزار می‌شود.

یکی از مراسم دینی مهم آنان، برگزاری مراسم نماز جمعه است که به نوبت، به امامت حجج اسلام یعقوبعلی توسلی و شیخ مهدی نجفی در مسجد جامع شیعیان واقع در مرکز شهر برگزار می‌شود. سیزدهم شهریور ماه سال 1382 شمسی یک حمله تروریستی وحشتناک از سوی افراد وابسته به «لشکر جنگوی» علیه نمازگزاران در حین ادای نماز صورت گرفت که بر اثر آن 51 نفر از نمازگزاران کشته و بیش از 70 نفر زخمی شدند.

در آخرین نقطه‌های شمال شرقی پاکستان، سرزمین کوهستانی گلگت و بتستان واقع شده که دست‌کم از قرن هشتم هجری به این طرف، مسکن ثابت شیعیان بوده است. گسترش شیعه به این ناحیه دور دست کوهستانی، به داستان مهاجرت میرسید علی همدانی (786 - 714 هـ) با جمعی از یارانش از ایران در دوران سلطه تیمور لنگ برمی‌گردد. نواحی گلگت و بتستان در پی تلاش‌های سیدمیر علی همدانی به آیین شیعه رو آوردند که امروز یکی از پایگاه‌های مستحکم شیعه در پاکستان به شمار می‌رود. به گفته یکی از نویسندگان، «ناحیه گلگت دارای 500 تا 600 هزار نفر جمعیت، و ناحیه بتستان نیز دارای پانصد هزار نفر جمعیت است. تقریباً عموم سکنه آن مسلمانند و در بتستان، اکثریت قریب به اتفاق با شیعیان است. در گلگت نیز قبلاً اکثریت با پیروان مذهب شیعه بوده که کوششی مصروف گشته تا با اسکان وهابی‌ها و افغانه سنی مذهب، شیعیان آن را از اکثریت بیندازند.» (17)

در ایالت سرحد نیز شیعیان حضور چشمگیری دارند. گرچه در خود شهر پشاور، مرکز این ایالت، تعداد شیعیان چندان چشمگیر نیست، اما در برخی مناطق دیگر این ایالت، بویژه پاراچنار و کوهات، شیعیان حضور نسبتاً وسیعی دارند. در پاراچنار، نزدیک به نیمی از جمعیت شهر را شیعیان تشکیل می‌دهند. (18) رهبر پیشین شیعیان پاکستان شهید عارف حسین حسینی نیز از همین ناحیه بود. او با فعالیت‌های اجتماعی، علمی و فرهنگی خود، نقش مهمی در رشد فرهنگ شیعی در پاراچنار ایفا کرد. شیعیان پاراچنار به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی آن - که در جوار مرز با افغانستان و مناطق قبایل آزاد واقع شده - همیشه در معرض تهدید و درگیری‌های مذهبی قرار دارند. مردم این نواحی اکثراً مسلح هستند و پس از آغاز جنگ و جهاد در افغانستان، انواع سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین به این مناطق سرازیر شده‌اند که در درگیری‌های قومی و مذهبی، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مناطق قبایلی این ایالت که دولت بر آنها کنترل ندارد، هر نوع سلاح و مهمات جنگی خرید و فروش می‌شود. در کوهات نیز که در 40 کیلومتری شهر پشاور واقع شده، تعداد قابل توجهی شیعه زندگی می‌کنند. یکی از قبایل مهم شیعه مذهب این شهر، «بنگش» است که در اعتقادات مذهبی خود، بسیار متعصب و سرسخت است.

پی‌نوشت‌ها:

- 1 - دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، چاپ اول، 1375، ج 5، ذیل واژه «پاکستان»، ص 194. 445.
- 2 - قاسم صافی، سفرنامه پاکستان، تهران، کلمه، 1366، ص 192.
- 3 - همان، ص 194.
- 4 - سیدعباس اطهر رضوی، شیعه در هند، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج 1، 1376، ص 229.
- 5 - همان، ص 230 به نقل از: طبقات ناصری، کلکته، 1846، ص 29.
- 6 - محمدقاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج 1، ص 312.
- 7 - سیدعباس اطهر رضوی، پیشین، ص 232-233.
- 8 - علی حسین رضوی، تاریخ شیعیان علی، کراچی، امامیه اکیدمی، 1992، ص 366.
- 9 - دائره‌المعارف تشیع، تهران، مؤسسه دائره‌المعارف تشیع، 1371، ج 4، ص 398.
- 10 - دانشنامه جهان اسلام، 1379، ج 5، ص 446.
- 11 - دائره‌المعارف تشیع، ج 4، ص 398.
- 12 - فرانسوا، توال، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه قاسم آقا، تهران، آمن، 1379، ص 145.
- 13 - همان، ج 3، ص 624.
- 14 - حسن الامین، دائره‌المعارف الاسلامیه الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ج 10، ص 54.
- 15 - همان، ص 306.
- 16 - همان، ص 305.
- 17 - محمدکاظم محمدی، سیمای پاکستان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1368، ص 32.
- 18 - دانشنامه جهان اسلام، ج 5، 1379، ص 367.

عبدالرحمان رحیمی / جام جم